عکس: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
صاحب منصبان ارکان حرب کل قشون در کنار هواپیمای یونکرس آلمانی در فرودگاه قلعه مرغی

به مناسبت سالگرد صدور فرمان تشکیل نیروی هوایی ایران

تاریخچه ورود هواپیما به ایران

هومن زال پور
پژوهشگر تاریخ نظامی عصر قاجار

در تاریخ مضبوط است که نخستین پرواز موفق با هواپیمای موتوردار را برادران رایت در دسامبر سال ۱۹۰۳.م در ایالات متحده امریکا انجام دادند. حدود پنج سال پروازهای آزمایشی انجام می‌شد و از سال ۱۹۰۸ قراردادهایی برای ساخت و تولید هواپیما بسته شد. ورود نخستین هواپیما به ایران در عصر قاجار و به سال ۱۲۹۲ ه. ش صورت گرفت. در روز ۱۴ دی ماه سال ۱۲۹۲، طیاره‌ای از نوع «بلریو» وارد آسمان دارالخلافه طهران شد و در میدان مشق بریگاد قزاق همایونی (محوطه اطراف وزارت امور خارجه فعلی) بر زمین نشست. احمدشاه قاجار، محمدحسن میرزا ولیعهد و جمعی از رجال دولتی و نظامی آن را مورد استقبال قرار دادند و خلبان هواپیما که فردی لهستانی به نام «کوزمینسکی» بود، مورد تمجید قرار گرفت. این هواپیما به محوطه قصر قاجار (باغ موزه قصر فعلی) منتقل شد و مدتی پروازهای نمایشی بر فراز طهران انجام می‌داد و مردم به تماشای آن می‌پرداختند. در جنگ جهانی اول از هواپیما برای عملیات نظامی استفاده شد و نیروی نظامی ژنرال لیونل دانسترویل انگلیسی، در سال ۱۲۹۶ برای مقابله با ارتش سرخ شوروی وارد ایران شد. این نیرو هواپیماهایی نیز در اختیار داشت و فرودگاه‌هایی برای آنها در همدان و قزوین آماده شد. این هواپیماها در عملیات نظامی دولت ایران برای مقابله با جنبش جنگل مورد استفاده قرار گرفتند و مواضع آنها را هدف قرار دادند. پس از جنگ جهانی اول، لزوم خرید هواپیما و تشکیل نیروی هوایی در دستور کار قرار گرفت و نماینده‌ای از کمپانی یونکرس آلمان به ایران آمد و مذاکراتی را با دولت‌های وقت انجام داد. همچنین در قسمت نظامی قرارداد ۱۹۱۹ موسوم به «پیشنهاد کمیسیون مطالعات نظام انگلیسی و ایرانی» تشکیل نیروی هوایی در بخش‌های مختلف ایران پیش‌بینی شده بود و بند ۷ از فصل ششم این بخش، به «تشکیلات قسمت هواپیمایی» اختصاص داشت. این بند از فصل ششم، ۲۴ ماده داشت که به لزوم تشکیل نیروی هوایی در شهرهای طهران، انزلی، استرآباد، تبریز، مشهد، اصفهان، همدان، بوشهر، اهواز، بندرعباس، چاه بهار و شیراز و تعیین جزئیات و ملزومات آن می‌پرداخت. همچنین پیشنهاد شده بود که هر چه زودتر عده‌ای صاحب منصب انتخاب و برای آموزش فن خلبانی به اروپا اعزام شوند. این قراردادِ جامع، تصویب و اجرایی نشد، اما در سال ۱۳۰۰ پس از تشکیل قشون متحدالشکل به دستور رضاخان سردار سپه - که سازمان آن مشابه بخش نظامی قرارداد ۱۹۱۹، اما در ابعادی کوچکتر بود - تحت شعبه تنسیقات قشون که ریاست آن را سرهنگ رضاقلی خان کریم قوانلو (قاجار) بر عهده داشت، دفتری به نام «دفتر هواپیمایی» تشکیل شد. با تلاش‌های این بخش از قشون، نخستین هواپیما در سال ۱۳۰۱ از کمپانی یونکرس خریداری شد و قلعه مرغی که از مدت‌ها پیش برای فرود هواپیماها مورد استفاده قرار می‌گرفت، برای آن در نظر گرفته شد. همچنین مقرر شد صاحب منصبانی برای آموزش خلبانی رهسپار اروپا شوند و نخستین فردی که برای این مأموریت انتخاب شد، سرهنگ احمد خان نخجوان بود. او در نخستین دسته محصلین نظامی قرار گرفت که در خرداد سال ۱۳۰۲ شمسی تحت سرپرستی سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی، رئیس ارکان حرب کل قشون و معاونت سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی به اروپا اعزام شدند. احمدخان نخجوان به مدرسه هواپیمایی ایستر فرانسه اعزام شد و تحت آموزش خلبانی قرار گرفت و تعداد دیگری از افسران اعزامی در این دسته مانند سلطان احمد میرزا خسروانی، نایب اول خلیل خان مرجان و نایب اول آقا بزرگ مهنّا، پس از تحصیل در رسته‌های دیگر، دوره خلبانی را نیز طی کردند. در سال ۱۳۰۲، شش فروند هواپیمای دیگر نیز از آلمان و شوروی خریداری و در قشون ایران به کار گرفته شد. علاوه بر این، یک محموله شامل ۱۰ فروند هواپیما به اهتمام سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی از فرانسه خریداری و از سال ۱۳۰۳ به خدمت قشون وارد شدند. در ابتدای همین سال، تعداد ۱۰ نفر از محصلین نظامی برای آموزش فن خلبانی به شوروی اعزام شدند که عبارت بودند از: نایب اول عیسی اشتوداخ، نایب اول سوار شرف‌الدین قهرمانی، نایب اول مالی فرهاد میرزا، نایب اول بایندر، نایب اول علی اکبر امین‌زاده، نایب دوم محمدباقر افشارطوس، نایب دوم حسن حقی، نایب سوم مهدیقلی قهرمانی، معین نایب ابراهیم بیات ماکویی و مسعود دیبا. با اعزام محصلین نظامی، فرمان تشکیل نیروی هوایی در ۱۱ خرداد ماه سال ۱۳۰۳ تحت حکم قشونی شماره ۲۱۲ به شرح زیر صادر شد:

حکم عمومی قشون شماره ۲۱۲

ماده ۱

مقرر می‌داریم طیارات جدید الابتیاع قشونی تشکیل سه گروه (اسکادری) تحت ریاست سرهنگ نمره ۵۰۹ احمد خان نخجوان که نمره جدید ۲۰۰ را خواهد داشت به شرح زیر دهد:

گروه اول - نایب اول نمره ۱۰۵ سعید میرزا عضو دایره عملیات کل مأمور آن خواهد بود.

گروه دوم - به مأموریت امیراعتضاد که ذیل نمره ۱۹۸ به رتبه نایب اول قلمی با حقوق سابق منصوب می‌شود.

گروه سوم - به مأموریت میرزا محمد خان حکیمی که مقام و حقوقش بعد از ورود تعیین خواهد شد.

سلطان نمره ۲۰۱ نصرت‌الله خان سیمنو ریاست قرارگاه را عهده دار خواهد بود.

ماده ۲

سرهنگ نمره ۱۹۷ سیف‌الله خان، صاحب منصب ارکان حرب کل به ریاست مدرسه هواپیمایی مأمور می‌گردد.

تهران مورخه ۱۱ جوزا ۱۳۰۳

وزیرجنگ و فرمانده کل قوا رضا

مقارن با این زمان، اراضی منطقه مهرآباد طهران برای آموزش خلبانان آماده‌سازی و چند آشیانه هواپیما در آن ساخته شد. کلنل محمدتقی خان پسیان نخستین فرد ایرانی بود که در آلمان دوره خلبانی را دید، اما به علت بیماری نتوانست به پرواز ادامه دهد و نخستین خلبان ایرانی که با یکی از هواپیماهای خریداری شده به سلامت به طهران رسید و در فرودگاه قلعه مرغی فرود آمد، سرهنگ احمد خان نخجوان بود که نخستین فرمانده نیروی هوایی ایران نیز محسوب می‌شود. بدین ترتیب نیروی هوایی ایران در واپسین سال‌های عصر قاجار تأسیس شد و در پایان سلطنت قاجاریه (۱۳۰۴)، ایران دارای هفده فروند هواپیما از انواع یونکرس، دوهاویلاند، اسپاد، پوتز و اورو بود.

منابع:

تاریخ ارتش نوین ایران

جلالی، هوشنگ - تاریخ نظامی ایران

حجامی، محمود و رضا جهانفر- پیشگامان پرواز در ایران

عاقلی، باقر-رضاشاه و قشون متحدالشکل

یکرنگیان، میرحسین-سیری در تاریخ ارتش ایران

نحوه برخورد دولت مصدق با اعتراض‌های صنف قصابان و کشتارکنندگان تهران

معمای یک اعتصاب صنفی با اهداف سیاسی

جعفر پیوسته کاشانی
پژوهشگر تاریخ

خرداد سال ۱۳۳۲ه.ش در حالی که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در اوج بحران و آشوب و کشمکش‌های گوناگون بود مردم پایتخت در میانه این کارزار شاهد یک درگیری بزرگ بین شهرداری تهران به ریاست «نصرت‌الله امینی» با توزیع‌کنندگان گوشت تهران بودند؛ برخوردی که بیشتر جنبه سیاسی داشت تا صنفی.

■ آغاز ماجرا با گرانفروشی

در اوایل سال ۱۳۳۲ توزیع‌کنندگان عمده گوشت تهران به یکباره و بدون هیچ‌گونه هماهنگی با دولت، قیمت هر کیلو گوشت را از ۲۴ ریال به ۲۸ ریال افزایش می‌دهند. این افزایش در همان روزهای اول باعث اعتراض شهروندان تهران می‌شود. با دستور رسیدگی دولت دکتر محمد مصدق به این افزایش قیمت ناگهانی و غیرقانونی به شهرداری تهران، نصرت‌الله امینی با صدور اطلاعیه‌ای در روز ۱۷ خرداد بهای فروش هر کیلو گوشت را ۲۶ ریال اعلام می‌کند. به‌دنبال این اطلاعیه، کشتارکنندگان تهران در همان روز دست به اعتصاب زده و از کشتار و پخش گوشت بین قصابی‌ها خودداری می‌کنند.

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۹ خرداد سال ۱۳۳۲ خبر اعتصاب کشتارکنندگان را در صفحه اول خود با تیتر «امروز کارکنان کشتارگاه از ذبح گوسفند خودداری کردند» به چاپ می‌رساند: «کارکنان کشتارگاه تهران که دست به اعتصاب زده‌اند، با این شرط حاضر شدند دست از اعتصاب بکشند که نمایندگانی از طرف خود انتخاب کنند تا با شهرداری مذاکره نمایند. جلسه دیروز نمایندگان اتحادیه در کمیسیونی متشکل از آقای توانا نماینده وزارت کشور، سیاهپوش مدیرکل خواربار وزارت اقتصاد و مستوفی کمره‌ای معاون شهرداری با شکست روبه‌رو شد. در نتیجه عصر دیروز عده زیادی از کارکنان کشتارگاه قصد داشتند مقابل شهرداری متحصن شوند که از تحصن آنها جلوگیری به عمل آمد. به همین دلیل نمایندگان کشتارگاه تلگرافی به شرح زیر به اداره روزنامه مخابره کردند: «چون شهرداری به شکایات حقه و پی در پی خصوصی در پی صنف قصاب تهران و حومه تاکنون ترتیب اثر نداده و با شرایط کنونی ترقی روزافزون و کمبود احشام، ادامه کسب برای این صنف غیرممکن به نظر می‌رسد لذا ناگزیر از ادامه کسب خودداری کرده و بدینوسیله مراتب را به عرض می‌رسانیم.»

■ تهدید شهرداری تهران

ساعاتی بعد از اعتصاب، شهردار تهران در گفت‌وگو با رسانه‌ها از اقدام‌های این سازمان برای مقابله با کشتارکنندگان تهران خبر داد: «بنابر وظیفه قانونی، ما قصد نداریم از مواضع خود عقب‌نشینی کنیم. شهرداری تهران مجبور شد از صبح امروز شروع به اقدام نماید و مبلغ ۳۰۰ هزار ریال به نمایندگان شهرداری داده شد که از بازار گوسفند خریداری کنند و کشتار امروز تحت نظر مستقیم مأموران شهرداری انجام شد و از این جریان چوبدارها نیز کاملاً رضایت دارند زیرا در مقابل دادن گوسفند، پول نقد یا چک دریافت می‌کنند. این گوشت در اختیار قصابی‌ها گذاشته می‌شود که با دریافت حق فروش در اختیار مصرف‌کننده بگذارند بدین طریق گوشت به قصاب از قرار کیلویی ۲۴ ریال داده می‌شود که به مصرف‌کننده کیلویی ۲۶ ریال بفروشند.»

■ کشتار و پخش گوشت توسط شهرداری

یک روز بعد در روز ۲۰ خرداد اخطاریه‌ای از سوی نصرت‌الله امینی صادر شده و در آن به اتحادیه مذکور اولتیماتوم می‌دهد که اعتصاب خود را بشکنند. در غیر این صورت شهرداری تهران مثل روز گذشته خود اقدام به کشتار و پخش گوشت خواهد کرد. با وجود این اخطاریه صنف کشتارکنندگان دست از اعتصاب برنداشته و از قصابی‌های تهران برای عدم همکاری و همراهی با دولت و تعطیلی دکان‌هایشان استمداد می‌طلبند.

روز بعد ۲۱ خرداد شهرداری تهران اقدام به خرید مستقیم از چوبدارها و ذبح و توزیع گوشت توسط مأموران و رفتگران می‌کند، اما تعدادی از قصابی‌ها از تحویل گوشت توزیعی شهرداری خودداری می‌کنند. روزنامه کیهان در شماره ۲۰ خرداد سال ۱۳۳۲ با چاپ خبری با عنوان امروز شهرداری تهران کشتار و فروش گوشت را خود انجام داد، می‌نویسد: «چون امروز صنف کشتارکننده تهران همچنان به تصمیم خود باقی ماندند و از اعتصاب دست نکشیدند شهرداری تهران با اعتبار یک میلیون ریال پول نقد و با استفاده از مأموران خود شروع به کشتار نمود و تا ساعت ۱۱ امروز بالغ بر هزار رأس گوسفند ذبح و بین دکان‌های قصابی تهران توزیع کرد. شهرداری تهران امروز به دکان‌های قصابی اخطار داده چنانچه از تحویل گرفتن گوشت برای فروش خودداری نمایند شهرداری فوراً دکه‌های کوچکی در نقاط مختلف شهر دایر می‌کند و گوشت را در اختیار عموم می‌گذارد.»

نصرت الله امینی - شهردار وقت تهران

همچنین کفیل شهرداری گفت: اینکه کشتارکنندگان ادعا می‌کنند براثر بروز خشکسالی احشامی که قرار بود از نقاط مختلف کشور به تهران منتقل شوند، نیامده‌اند و آنها مجبور به این افزایش قیمت شده‌اند، در پاسخ باید عرض کنم که اگر آب و هوای سال‌های قبل را بتوان خشکسالی نامید امسال را مطلقاً نمی‌توان سال خشکسالی دانست. این عذر بدتر از گناه است. شهرداری تهران عقیده دارد که کشتارکنندگان می‌خواهند به هر نحوی که شده در مورد فروش گوشت اجحاف کنند و ما با این ماجرا مقابله می‌کنیم.

■ ادامه اعتصاب

روز پنجشنبه ۲۱ خرداد نیز اعتصاب ادامه پیدا می‌کند. روزنامه اطلاعات می‌نویسد: «امروز هم کشتارکنندگان در حال اعتصاب بودند. دیروز قرار بود دو نفر از نمایندگان صنف، آقای نخست‌وزیر را ملاقات نموده و مراتب را به ایشان عرض کنند ولی چون دیشب هیأت دولت جلسه داشت رسیدگی امر را به آقای سرتیپ ثقفی بازرس کل محول کردند و ایشان پس از آنکه از مطالب و خواسته‌های ما مطلع شدند قرار شد با آقای شهردار مذاکره کنند ولی گویا هنوز مذاکره‌ای صورت نگرفته است. ما خواسته‌های خود را در نامه‌ای به دولت اعلام کردیم:

۱- تقلیل دکاکین گوشت فروشی به حداقل ۶۰۰ دکان با درنظر گرفتن وضعیت محل

۲- صدور پروانه به نام صاحبان ۶۰۰ دکان

۳- تعیین نرخ فروش گوشت در شهر و حومه برای چهار فصل سال

۴- جلوگیری از ورود دلال و اشخاص متفرقه برای خرید احشام در میدان کشتارگاه اطراف تهران

۵- تسریع در ساختمان میدان کشتارگاه جدید طبق اصول بهداشت

۶- به رسمیت شناختن قصابی که حداقل چهارسال سابقه کشتار داشته باشد

■ کشتار شهرداری

نصرت‌الله امینی در ملاقات خبرنگاران اعلام می‌دارد: شهرداری هنوز در تصمیم خود برای رفع اجحاف کشتارکنندگان باقی است.

امروز تا ساعت ۱۱، یک هزار و ۵۰۰ رأس کشتار شده و قرار است تا آخر وقت امروز ۵۰۰ رأس دیگر کشتار شود. فردا هم که روز جمعه است و سابقه کشتار نداریم، به دستور شهردار برای رفع نگرانی مردم دستور داده شده است کشتار بشود و چون دکاکین قصابی از فروش گوشت خودداری می‌کنند از طرف شهرداری چند کامیون در خیابان‌ها به مردم گوشت می‌فروشند. شهرداری در نظر دارد یخچال‌های بزرگی برای تازه نگه داشتن گوشت تهیه کند. به‌دنبال این اقدام رئیس اداره خواربار شهرداری تهران می‌گوید: «شهرداری می‌خواهد دست کشتارکنندگان را برای همیشه از کار کشتار و توزیع گوشت در پایتخت کوتاه کند. قصابی‌هایی که اقدام به تحویل و توزیع گوشت نکنند پروانه کسب آنها باطل می‌گردد. آیین‌نامه بنگاه مستقل گوشت که از طرف شهرداری در شرف تدوین بود، هرگز به تصویب نرسید اما بدین ترتیب دعوای بزرگی با تدبیر و پافشاری دولت به سود مردم به پایان رسید.

تصمیم به تحصن در مقابل شهرداری و منزل نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق می‌گیرند. رئیس بازرسی مخصوص نخست‌وزیری اظهارات و اقدامات نمایندگان صنف کشتار را منطقی نمی‌داند، کشتار و پخش و فروش گوشت تا روز جمعه ۲۲ خرداد ادامه پیدا می‌کند. سرانجام با پافشاری شهرداری و حمایت دولت ماجرای بزرگ صنفی یا سیاسی خنثی می‌شود.

■ پایان اعتصاب

روزنامه کیهان در شماره روز یکشنبه ۲۴ خرداد سال ۱۳۳۲ در صفحه اول خود خبر مذاکره دو طرف متخاصم را با تیتر «کشتارکنندگان تهران حاضر شدند گوشت را به نرخ سابق هر کیلو ۲۶ ریال به مردم بفروشند» به چاپ می‌رساند.

روزنامه اطلاعات نیز می‌نویسد: «کشتارکنندگان دست از اعتصاب برداشتند. شب پنجشنبه ۲۱ خرداد، نمایندگان اتحادیه صنف کشتارکنندگان تهران برای توافق در مورد پایان اعتصاب خود در اتاق آقای امینی کفیل شهرداری تهران اجتماع نمودند. آقای سرتیپ ثقفی رئیس بازرسی نخست‌وزیر که از طرف آقای نخست‌وزیر مأموریت رسیدگی به اعتصاب را داشت در این جلسه حضور یافت. پس از مذاکرات مفصل، کمیسیون دلایل کشتارکنندگان را برای گران کردن قیمت گوشت قانع‌کننده ندانست و از طرف شهرداری آنها را قانع کرد که قیمت تعیین شده شهرداری عادلانه است، به شهرداری اطلاع دادند که حاضرند مجدداً کشتار نمایند و گوشت را به همان قیمت که شهرداری تعیین کرده است بفروشند. این تعهد کشتارکنندگان مورد قبول شهرداری واقع شد و از صبح روز جمعه کشتار و توزیع گوشت مجدداً به دست کشتارکنندگان افتاد.» آیین‌نامه بنگاه مستقل گوشت که از طرف شهرداری در شرف تدوین بود، هرگز به تصویب نرسید اما بدین ترتیب دعوای بزرگی با تدبیر و پافشاری دولت به سود مردم به پایان رسید.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

اولین‌های تاریخ

زهرا بهنام
پژوهشگر تاریخ معاصر

ورود بالون به ایران

فرنگی توش نشست رو به خدا رفت!

نخستین وسیله بزرگ هوایی توسط دو برادر فرانسوی به نام‌های ژوزف و ژاک مونگلفیه اختراع شد. در سال ۱۷۸۳.م نخستین پرواز انجام گرفت. در سال ۱۲۷۰ ه.ش مطابق با ۱۸۹۱ م و در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، پرنس میرزا ملکم خان (ناظم الدوله) نخستین بالون را برای نمایش به تهران آورد و در خارج شهر تهران در میان بهت و حیرت مردم بالون با چادر هوایی توسط یک هوانورد فرانسوی به پرواز درآمد و با ترکیدن آن به شکست انجامید.

«چند نفر خارجی از اتباع فرانسه در تهران ادعا می‌کنند که چیزی اختراع کرده‌اند که می‌توانند با آن به هوا پرواز کنند و قرار نمایش آن را برای روزی در میدان مشق می‌گذارند و مردم هم که این خبر برایشان عجیب بوده برای تماشا هجوم می‌برند. فرنگی‌ها چادر بزرگی بسیار بزرگی را بر سر حفره‌ای که قبلاً دستور حفر آن را داده و در آن کاه فراوان انباشته بوده‌اند گشوده، اطراف آن را با میخ‌ها و طناب‌های مخصوص به زمین محکم کرده در کاه‌ها آتش افکنده (کاه دود) می‌کنند و چون دود در زیر چادر جمع می‌شود، کم‌کم بالا آمده بزرگ و بزرگتر تا هیولایی کروی شکل شده، سرپا می‌شود و آنگاه دهانه‌اش را به هم آورده سبدی به زیرش بسته، یک نفر در آن می‌رود و در یک لحظه طناب‌های آن را بریده، رهایش می‌کنند و بالن در مقابل دیدگان حیرت‌زده مردم، مسافر را برداشته به هوا می‌رود، اما هنوز چند دقیقه از صعود آن نمی‌گذرد که ترکیده، سرنگون شده سرنشین آن پخش زمین می‌شوند و مردم که آرزوی چنین اتفاق و گوشمالی فرنگی را که می‌خواسته «سر از کار خانه خدا درآورد!» می‌کرده‌اند، این شعر را فی‌البداهه سروده دهن به دهن می‌چرخانند:

عرقچین بر سرم بالون هوا رفت/ فرنگی توش نشست پیش خدا رفت/ می خواس سر در کنه از کار سبحون/ خدا زد تو سرش افتاد تو میدون

با پرواز بالون عده‌ای به ناصرالدین شاه پیغام دادند که زنان مسلمان بی‌حجاب توی خانه نشسته‌اند و مردهای نامحرم با دوربین از توی بالون آنها را نگاه می‌کنند و بنابر این بالون باید موقوف شود.

شاه ابتدا به این حرف‌ها چندان اعتنایی نکرد، تا روزی که خود در ایوان شمس العماره نشسته بود و بالونی از بالای سرش عبور و گل‌های زیادی از آسمان نثار شاه کرد. معترضین که منتظر چنین فرصتی بودند، فوری به وی تذکر دادند که ممکن بود به جای گل، گلوله و سنگی بیندازند و شاه را هلاک سازند. این حرف‌ها در شاه اثر کرد و نه تنها دستور داد بالون بازی موقوف شود، بلکه پرنس ملکم خان را هم که آورنده بالون بود، از ایران تبعید کرد.

ناصرالدین شاه در خاطرات خود می‌نویسد: «روز شنبه ۸ ربیع الاول ۱۲۹۴، ۵ ساعت به غروب مانده از تریاس جلو خان مدرسه دارالفنون، دو بالون بزرگ هوا رفت، همان بالونچی‌های سابق، اول بالون بزرگ سرخ رنگی هوا کردند، یک نفر نشسته هوا رفت زیاد نرفت، بزودی افتاد به باغ و خانه اعتضاد الدوله. ما با پیشخدمت‌ها بالای شمس العماره بودیم، ادیب، فرخ خان، سیاچی وجیه و غیره بودند، مردم زیادی یعنی کل اهل شهر روی بام‌ها و کوچه و غیره بودند و بعد از نیم ساعتِ دیگر، بالون سفید بسیار خوش ترکیب بزرگی هوا رفت، دونفر نشسته بودند، خیلی خوب و راست به هوا رفت، قریب دو هزار ذرع هوا رفت که آدم‌ها مثل کبوتری پیدا بودند، نیم ساعت تمام روی آسمان در میان ارتفاع ایستاد، تماشای بسیار خوبی به مردم داد، بعد پایین آمد، یکراست توی باغ سپهسالار افتاده بود، قمرالسلطنه (همسر سپهسالار) و کنیزهای او ریخته بودند سر بالون چی‌ها.» بعدها مظفرالدین شاه در سفر به فرنگ، یک بالن خرید اما به دلایل مختلف فرصت استفاده از آن را نیافت تا زمانی که محمد علی میرزا وارث تاج و تخت او شد. جنگ مشروطه خواهان با محمد علی شاه بالا گرفت. یکی از سران نظامی به نام ارشد الدوله که گویا شنیده بود فرانسه در جنگ ۱۸۷۰ با این وسیله قادر به شکست آلمان شده است پیشنهاد کرد برای سرکوب مشروطه خواهان از همان بالون استفاده کنند. اما وقتی بالون را باز کردند تعدادی موش از آن بیرون جهیدند و معلوم شد که پیش از آن موش‌ها بالون را جویده‌اند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

در مسیر تاریخ

نرگس صالح نژاد
پژوهشگر تاریخ

پرکارترین مترجم ایرانی

۱۹ خرداد، سالروز درگذشت ذبیح الله منصوری بود

ذبیح‌الله منصوری به سال ۱۲۸۸ در سنندج به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه آلیانس سنندج شروع کرد که زیر نظر فرانسوی‌ها اداره می‌شد و همین امر سبب شد به زبان فرانسه و بعدها زبان انگلیسی تسلط یابد. اما مرگ نابهنگام پدر باعث شد دست از تحصیل بکشد و مخارج خانواده را عهده‌دار شود. همکاری با روزنامه کوشش در سال ۱۳۰۱ آغاز ترجمه در زندگی او بود، بعدها او در روزنامه‌های اطلاعات، ایران، داد، باختر، اختر امروز، پست تهران، مجله‌های خواندنی‌ها، ترقی، تهران مصور، روشنفکر، سپید و سیاه، امید ایران و در نهایت مجله دانستنی‌ها قلم زد. ترجمه‌های او به‌صورت پاورقی در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ می‌رسید که بعدها بسیاری از آنها تبدیل به کتاب شد. حجم کارهای ترجمه شده او اعم از کتاب و مقاله بالغ بر ۱۴۰۰ عنوان است و همین امر باعث شده وی را پرکارترین مترجم تاریخ و ادبیات ایران بدانند. آثار و همچنین سبک ترجمه و نگارش او با دیگر مترجمان و مؤلفان تفاوت‌های بسیاری داشت. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به وی گرفته شده این است که به هیچ عنوان به متن اصلی کتاب‌ها وفادار نبود. او از سبک خاص خودش پیروی می‌کرد و در ترجمه‌های خود از اطلاعات و دانسته‌هایی که بعضاً آمیخته با داستان‌ها و افسانه‌ها بود، بسیار بهره برده و بر متن اصلی کتاب مطالبی را می‌افزود و آن را بسط و گسترش می‌داد. وی معتقد بود به‌عنوان یک مترجم این حق را دارد تا ایده نویسنده را بگیرد و آن را پرورش دهد. همین سبک و نوع خاص کار بارها او را در معرض اتهام قرار داد. اما با تمام این اوصاف او از نظر حجم کار بی‌نظیر و رکورددار است. شاید بتوان از میان تمام کارهایی که او ترجمه کرده است چند اثر شاخص از جمله سینوهه پزشک مخصوص فرعون، خواجه تاجدار، خداوند الموت، اسپارتاکوس، ابن سینا نابغه‌ای از شرق، دروازه بزرگ و... را نام برد. در میان تمام آثار او تنها یک اثر بود که منصوری نام خود را نه به‌عنوان مترجم، بلکه به‌عنوان نویسنده بر آن نگاشت؛ علوم اسلامی در قرن اول هجری در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسید. ذبیح‌الله منصوری سرانجام روز ۱۹ خرداد ۱۳۶۵ در ۸۹ سالگی درگذشت.